



۲۰۱۲/۰۷/۱۶



قیس کبیر

بررسی سه بُعد شوینیزم ایران بخش سوم

بُعد نژادی

برای درک همه جانبه رویه تبعیض گرایانه دولت اسلامی ایران در برابر افغان ها خوب است برخورد غربی ها را که از ما افغان ها از نقطه نظر فرهنگی فرسنگ ها فاصله دارند و همچنان پاکستانی ها را که مانند ایرانی ها همسایه های ما هستند مقایسه نماییم. (هرچند مقایسه سیاست دولت ایران در قبال قوانین مهاجرت با دول غربی خواب است و مهال، ولی این کشور در پای اکثریت قوانین بین المللی امضا کرده و در پای آن تعهد نموده است. ایران در بسیاری عرصه های حیات اجتماعی قوانین جهانی را حتی در برابر ملیتهای خویش نقض کرده است، بخصوص مردود ترین پدیده، یعنی آپارتاید را. دولت ایران میزبان کتله های کثیر افغانها بوده و سالانه میلیونها دالر را از کمشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین بدست می آرد. جالب آنست که ایران در بُعد سیاسی و مذهبی با سر دادن شعار "اسلام مرز ندارد" صد ها مرز سیاسی، اجتماعی و مذهبی را کشیده و نیز منتظر ورود مهدی آخرالزمان میباشد)

بطور مثال وقتی یک فرد خارجی (اصلاً مهم نیست که از کدام کشور، قوم و نژاد باشد) بصورت قانونی بیکی از کشورهای غربی می آید و درخواست پناهندگی می کند، پس از قبولی وی بحیث پناهنده با او مانند سایر اتباع کشور میزبان، برخورد صورت گرفته و از همه حقوق و مکلفیت ها بطور مساویانه با اتباع این کشور برخوردار می شود. در عین حال فرض کنیم اگر یک تبعه خارجی بصورت غیر قانونی داخل قلمرو یکی از کشورهای یاد شده شود، هیچکس به نقض حقوق انسانی او مبادرت نمی ورزد، هیچ مرجع دولتی اقدام به برخورد تحقیرآمیز و یا تبعیض نکرده او را از کشور خود اخراج نمی کنند. برعکس، بعضاً بررسی دوسیه این شخص می تواند مدتها در محاکم و ادارات دولتی کشور میزبان تحت بررسی قرار داشته باشد تا بهمه جوانب قضیه رسیدگی شود، استدلال و دلایل شخص بصورت بیطرفانه و در روشنائی قوانین شنیده و ارزیابی میشود و پس از غور و بررسی همه جانبه در زمینه فیصله صورت میگیرد. در جریان بررسی دوسیه شخص اینکه بطور غیر قانونی در کشورهای مذکور قرار دارد حقوق انسانی وی بهیچ صورت زیر پا نشده با وی رویه کاملاً انسان دستانه صورت گرفته و به درخواستهای او رسیدگی عادلانه و عینی صورت می گیرد. در صورت قبولی یک خارجی به حیث یک پناهنده صرف نظر از منشه های قومی، مذهبی، لسانی و غیره موصوف از همه حقوق یک تبعه کشور اتحادیه اروپا از قبیل کسب خدمات صحتی، بیمه ها، تحصیل، دسترسی بکار و غیره برخوردار می گردد. باید گفت که امتیازات، حقوق، مکلفیت ها منحصر به یک شخص نبوده بلکه در بر گیرنده همه اعضای خانواده او نیز می شود. در صورت ارتکاب جرم از طرف یک خارجی (چی قبول شده باشد و چی هم قبول نا شده) او مانند سایر اتباع کشور میزبان به مسؤولیت کشانیده می شود، علیه او هیچگونه برخورد تبعیض آمیز صورت نمی گیرد.

در کشور همسایه پاکستان رویهمرفته در پهلوی مکاتب پاکستانی، افغانها می توانند به مکاتب افغانی نیز شامل شوند، تداوی و خدمات صحتی را در شفاخانه ها بدست بیاورند، به دکانداری بپردازند، رستورانهای شخصی و تجارتهای انفرادی داشته باشند، در ادارات و مؤسسات اینکشور استخدام شوند و آزادانه به لسان های ملی خویش حرف بزنند. با کنار گذاشتن یک سلسله استثنائات، مانند تعصب نژادی و لسانی در برابر افغانها به چشم نمی خورند. کالج ها و پوهنتون های این کشور به روی اولاد های افغان باز بوده و تعداد کثیری از هموطنان ما در این کشور در رشته های انگلیسی، تکنولوژی کمپیوتر. . . تحصیل می کنند. مهاجران افغان در پاکستان هیچ گاهی از سوی مردم عوام آن کشور آسیب ندیده اند و اگر در برخی موارد آزار و اذیت های مشاهده شده است عمدتاً از جانب پولیس آن کشور بوده است. و اما از لحاظ سیاسی و نظامی، برخورد دولت پاکستان با قضیه افغانستان همانقدر خائنه و ویرانگر بوده که دولت ایران و سایر همسایگان طماع ما داشته اند. اگر پاکستان برای ویرانی افغانستان جاسوس و خادم تربیه کرده ایران هم درین راستا دست پاکستان را از پشت بسته است و هیچ نوع کمی و کاستی از همدیگر ندارند. همانگونه که پاکستان به عمق ستراتیژیک خود می اندیشد ایران نیز در پی دریافت و استحکام رد پای خویش در

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولۍ

افغانستان با طرز دید و برخورد منحصر به فرد پان ایرانیزم است. در واقعیت افغانستان از جانب حکومت های دو همسایه تحت تهاجم قرار دارد. پاکستان در جهت دسترسی آسان به بازار های سرشار از منابع آسیای میانه در تلاش رژیم دست نگر اسلام آباد است و ایران در پهلوی تمرکز به اهداف اقتصادی خویش اهداف زبانی و مذهبی را نیز دنبال میکند.

اما در کشور ایران عکس این رویه مشاهده می شود. صرف نظر از آنکه یک افغان بصورت قانونی یا غیر قانونی داخل این کشور گردیده باشد، صرف نظر از مدت زیست در قلمرو این کشور، افغان ها در آنجا از ابتدائی ترین حقوق برخوردار نیستند. افغان ها می توانند هر لحظه مانند یک مجرم توسط قوای امنیتی این کشور بدون در نظر داشت وضع خانوادگی، یعنی موجودیت اولادهای خورد سال یا والدین سالخورده و ضعیف به زندان ها انداخته شوند یا از کشور بیرون رانده شوند.

هرگونه فعالیت اجتماعی در قلمرو ایران که مستلزم ارائه کارت هویت باشد افغانها عملاً از آن محروم هستند.

-- افغانها نمی توانند حساب بانکی باز نمایند؛

-- افغان ها نمی توانند اولادهای خود را شامل مکتب بسازند؛

-- افغان ها حق ندارند از یک مرجع به حیث مستخدم یا کارگر استخدام شوند؛

-- افغان ها نمی توانند به صورت رسمی در شفاخانه ها مورد معالجه قرار بگیرند،

-- افغان ها نمی توانند به دکانداری و تجارت بپردازند؛

-- افغان ها نمی توانند به فروش اموال اقدام کنند؛

-- از همه بد تر و نفرت انگیز تر، رفتار غیر انسانی قوای امنیتی، سپاه پاسداران و وابستگان رژیم آخندی با کودکان معصوم افغان است که ثمره ازدواج یک افغان با یک ایرانی می باشد، ویا حمله های نابهنگام دسته جمعی باشندگان یک ولایت مشخص بالای کمپ های مهاجرین افغان در ایران مثالهای اند قابل مکت.

طی سه دهه گذشته هزارها خانم ایرانی با افغان ها ازدواج نموده اند که ده ها هزار طفل که مادران شان ایرانی و پدران شان افغان می باشند حاصل این ازدواج ها است. از نظر مقامات ایرانی این افراد اصلاً وجود ندارند چون آنها اینگونه ازدواج ها را به رسمیت نمی شناسند. این اطفال معصوم که امروز به سنین قانونی رسیده اند حتی فاقد تذکره هستند (به گفته ایرانیان، شناسنامه) و مانند سائر افغان ها در قلمرو ایران نه تنها از هیچگونه حقوقی برخوردار نمی باشند بلکه تنها به جرم اینکه از پدر افغان به دنیا آمده اند به آنها به دیده حقارت دیده می شود و این همه صرف نظر از میعاد زیست (یعنی چی یک سال و چی بیست سال) در قلمرو به اصطلاح جمهوری اسلامی ایران.

هموطنان عزیز!

اگر همچو روش هایی را که ایرانی ها به اصطلاح افغانهای ایرانی زده "هم زبان، هم کیش، هم نژاد. . ." ما هستند با طرز برخورد غربی ها که نه هم زبان، نه هم کیش و نه هم نژاد ما هستند مقایسه کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که این ایرانی زده ها «بچه های همسایه» هستند.

ما افغان ها همیشه افتخار می کنیم که کشور ما هیچگاه مستعمره نبوده و هیچوقت برتری جویی بیگانگان را قبول نکرده است و در برابر آن مبارزه کرده و حماسه های افغان ها در این رابطه ثبت تاریخ پر افتخار ما گردیده است. اما به دلیل نامعلومی بعضی از هموطنان ما دیدگان خود را در برابر عظمت طلبی و برتری جویی ایرانی ها بسته و وقیحانه سکوت اختیار نموده اند. اگر چشمان تعدادی از اراکین عالی رتبه حکومت را تومان و ریال ایرانی نابینا ساخته است، اما سؤال در اینجا است که چرا دیگران اینهمه مظالم و تعدی را تحمل نموده و خاموش هستند. وظیفه هر افغان، صرف نظر از اینکه مربوط کدام قوم و تبار است تا این دژ این بی تفاوتی و بی توجهی را شکسته و از نام و نشان و حیثیت و ارزش های تاریخی کشور ما به دفاع برخیزد.

ختم

بررسی سه بُعد شوینیزم ایران- بخش اول

بررسی سه بُعد شوینیزم ایران- بخش دوم

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ